

معرفی کتاب

چرا آمریکا شکست خورد: ریشه‌های افول امپراتوری^۱

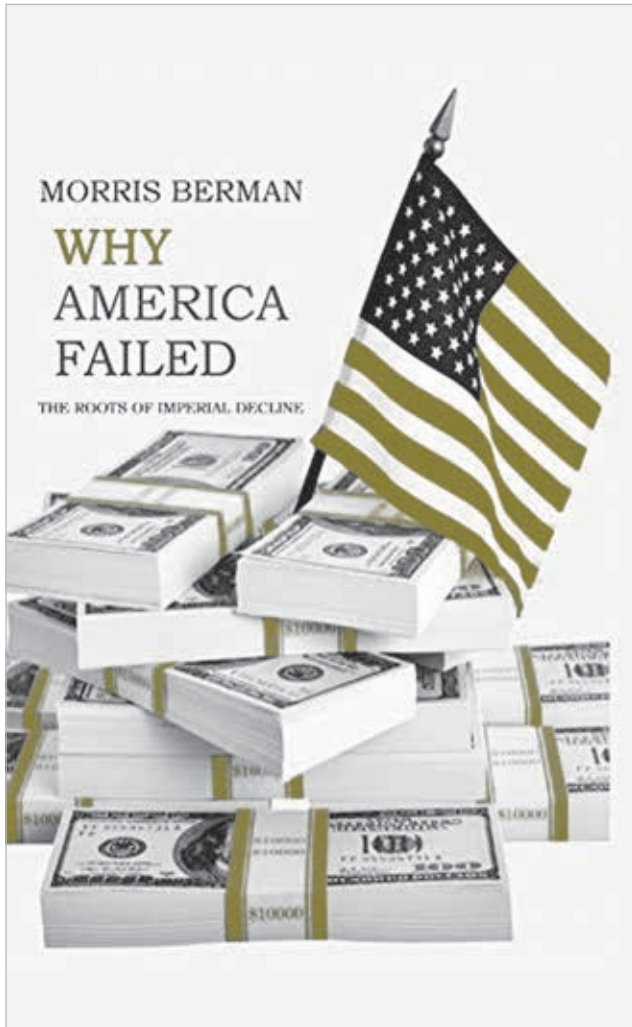
در فصل دوم این کتاب که با عنوان «سلطنت وال استریت»، مطرح شده است، برمن، رشد فرهنگ آمریکایی را از نخستین مستعمرات آمریکا تا به امروز، بررسی می‌کند و نشان می‌دهد که بذر فرهنگ «اغواگری» توسط آمریکا، زمانی برای توسعه اقتصادی آمریکا خوب عمل کرده و در حال حاضر، همین عادت آمریکا نسبت به فریب دادن ملل، تبدیل به نقطه‌ای شده است که می‌تواند، عمر آمریکا را به یک باره طی یک سکنه مغزی به پایان ببرد. با این فرهنگ، آمریکا تا سال‌های سده دیگر یا وجود نخواهد داشت یا با صیوروت، مواجه خواهد شد و این، یعنی پایانی بر تسلط آمریکا بر جهان. او، نشانه بارز این آینده نه‌چندان دور را وقوع جنبش ضد سرمایه‌داری در خیابان وال استریت می‌داند. از نظر او، وال استریت با تمام اعتراضات مدنی تفاوت دارد و چون ریشه در

در فصل نخست این کتاب با عنوان «در جست‌وجوی اثرگذاری»، نگرانی اصلی موریس برمن، کاملاً مشهود است. او دریافته است که مختصات اصلی حاکم بر نظام امپراتوری روم در اواخر دوران آن امپراتور، به صورت عینی در جامعه آمریکا، در حال تکرار است. مردم آمریکا به بن‌بست رسیده‌اند و حتی اگر هم بخواهند، نمی‌توانند، معادلات جهانی را به نحوی که آمریکا را حفظ نمایند، تغییر دهند. مردم آمریکا و امپراتوری کنونی آن نیز، مسیر اضمحلال را طی می‌کند. او معتقد است که جنبش وال استریت، تلاش مردم آمریکا برای نجات آمریکا از این اضمحلال بوده است و نمی‌خواهند، آمریکا تمام شود. به هر حال، نویسنده در جست‌وجوی اثرگذاری در این مسیر است که آخر آن، به نابودی آمریکا منتهی خواهد شد.

این متن، مروری است بر کتاب «چرا آمریکا شکست خورد: ریشه‌های افول امپراتوری» که توسط موریس برمن^۲ در سال ۲۰۱۴ منتشر شده است. در این کتاب، وی با رویکردی کاملاً انتقادی نسبت به کلیت سیاست‌های آمریکایی که منجر به تضعیف جایگاه آمریکا در جهان شده، دست به قلم گردیده است. نگاه نویسنده، یک نگاه موافق تقویت آمریکا و مدافع سرسخت آن است؛ اما از اینکه ممکن است سیاست‌های دولتمردان آمریکایی موجب از بین رفتن این کشور شود، نگران است.

1-Why America Failed: The Roots of Imperial Decline

2-Morris Berman



احساس عدم مساوات در جامعه آمریکا دارد، خاموش نخواهد شد. مردم آمریکا همیشه به سان قطعه فلزی داغ، آماده انقلاب خواهند بود. نویسنده در پایان این فصل می‌گوید، باید راهکار را در حرکت به سمت کنار گذاشتن فرهنگ اغواگری توسط دولتمردان جست. برمن در فصل سوم کتاب با عنوان «توهم پیشرفت»، به بیان مصادیق مهم توسعه فناوری‌های جهت‌ده پرداخته است و مدعی این مطلب می‌شود که آمریکا، پیشرفت را تقلیل معنایی داده است به «نفراول بودن» در اختراع توربین‌های بادی، خطوط تلگراف، ماشین بخار و مانند آن. آمریکایی‌ها فکر کردند دستیابی به این نوع فناوری‌ها، آن‌ها را بی‌بدیل دنیا خواهد کرد. البته در اوایل نیز، بخت با آمریکایی‌ها یار بود و این هدف، تحقق یافت؛ اما در ادامه، نظام آمریکایی به دیکتاتوری در عالم متهم شد و عملاً کنار گذاشته شدن خود را حتی میان مردم سرزمین خودش، به نظاره نشسته است.

در فصل چهارم این کتاب با نام «رجزخوانی تاریخ»، موریس، دلویس آمریکا است و از مهاجران اولیه‌ای که به آمریکا ورود کردند و با قتل و کشتار مردم محلی، بنیان خونین آمریکا را بر خونریزی استوار کرده‌اند، گله دارد. موریس معتقد است، هنوز هم دولتمردان تلاش برای پیشرفت را از منظر به قتل رساندن و تسلط‌هایی از این راه بر کشورهای

و افکار آمریکایی‌ها ایجاد خواهد شد، خبر می‌دهد. او معتقد است: کتاب‌های تاریخی زیادی در هجو آمریکان نگاشته خواهد شد، همان‌گونه که کتاب‌های هجوی در مورد روم باستان و برخورد آن‌ها با مستعمرات و تقسیم روم به نظام آزاد و برده، از اوراق سیاه تاریخ جهان است.

ضعیف‌تر، پیگیری می‌کنند و همین مشروعیت و اقتدار آمریکا را در هم خواهد شکست.

در نهایت، موریس در بخش پایانی کتاب با عنوان معنادار «گذشته آمریکا در آینده آینده»، آینده را برای آمریکا بد توصیف می‌کند و از تصویرزشتی که در آینده نسبت به سیاست‌ها